



مشهد به قربانت...

روزی که ماه در جوار خورشید می نشیند

مهم ترین روز تاریخ مشهد

آنچه

این روز را به مهم ترین روز تاریخ مشهد تبدیل می کند، فقط عظمت جمعیت نیست، البته حضور میلیون ها نفر، خود نشانه ای روشن از جایگاه بی بدیل این رهبر شهید در دل هاست. اما حقیقت بزرگ تر آن است که این جمعیت، صرفا برای وداع نیامده اند؛ آمده اند تا تاریخ را به چشم خود ببینند تا در مقطع ایستادگی و افتخار یک ملت حاضر باشند. این تشییع، تنها بدرقه یک پیکر مطهر نیست؛ بدرقه یک راه است، راهی که از ایمان آغاز شد، از فداکاری گذشت و به جاودانگی رسید.

یک پیوند تاریخی و معنوی

مشهد از دیرباز شهر ایمان، توسل و حرکت بوده است؛ شهری که هر کوجه اش، رد پای یک روایت دارد و هر صحن از حرم امام مهربانی، گواه یک عهد، اما امروز، این شهر از سطح زیارت فراتر می رود و به ساحت تمدن قدم می گذارد. تدفین رهبر شهید در جوار حضرت رضا، فقط یک هم جوار مکانی نیست؛ یک پیوند معنوی و تاریخی است. پیوندی میان امامت و ولایت، میان حرم و حماسه، میان ایمان و مسئولیت. این خاک از امروز، تنها خاک یک مزار نیست؛ خاک یک میثاق است. میثاقی که در آن، خاطره مقاومت و کرامت برای همیشه نفس خواهد کشید.

مشهد روایتگر ایستادگی و عزت

در چنین روزی، مشهد معنای دیگری پیدا می کند. این شهر دیگر فقط «پایتخت معنوی ایران» نیست؛ امروز، مشهد به قبیله گاه روایت بدل شده است. هر زائر، هر مجاور، هر عابر و هر نگاه، در شکل گیری این روایت سهم دارد؛ زیرا تاریخ فقط با نطق های بزرگ نوشته نمی شود. با جزئیات کوچک زنده می ماند. یک دست لرزان که به دیگری باری می دهد، یک پرچم خیس از اشک، یک سلام آرام زیر لب، یک صلوات جمعی، یک شعار جانانه و برآنت از دشمن، یک قاب ساده از چهره ای اندوهگین، همه و همه، قطعه هایی از پازل حافظه ملی ما هستند. از همین روست که در چنین روزی، هر گوشی همراه می تواند یک سند تاریخی باشد، هر عکس می تواند یک گواه باشد و هر جمله می تواند یک راوی باشد.



یک روز تاریخی در مشهد

این همان جایی است که مشهد از یک شهر، به یک نشانه بدل می شود؛ نشانه ای از پیوند جاودان مردم با راهی که برای عزت، ایمان و استقلال پیموده شده است. امروز در این شهر، وداع و افتخار در کنار هم ایستاده اند. اندوه، چهره شهر را پوشانده است؛ اما زیر این اندوه، یک حقیقت روشن می درخشد؛ ملت ها با نام کسانی زنده می مانند که برای عزت آن ها ایستادند و از خون پاکشان گذشتند. تدفین بزرگ ترین رهبر سیاسی و مذهبی جهان در مشهد مقدس همان نقطه روشن و قبیله گاهی است که ملت های مسلمان و هر آزاده ای در جهان را هدایت می کند.



این تازه آغاز راه است

از این پس، مشهد تنها شهر زیارت نخواهد بود؛ شهر انسان سازی و دلدادگی هم خواهد بود. شهر تداوم معنا، شهری که در آن، مزار رهبر شهید در کنار بارگاه امام هشتم، به نقطه ای برای تأمل نسل های آینده تبدیل خواهد شد. آیندگان خواهند پرسید: در روزی که این ملت میلیونی رهبرشان را تشییع کردند و چنین سرافراز به بدرقه و وداع با پیشوایشان به میدان آمدند، مردم چه دیدند؟ چه نوشتند؟ چه ثبت کردند؟ و پاسخ، در قاب های امروز نهفته است. اگر درست بنویسیم، اگر درست ببینیم، اگر صادقانه روایت کنیم، آنچه امروز ضبط می کنیم، فردا تاریخ خواهد شد.

ما راویان تاریخ هستیم

مسئولیت ما در این لحظه، فقط حضور نیست؛ بلکه هر کدام از ما می توانیم روایتگر صحنه هایی از این گردهمایی باشکوه باشیم. امروز، ما در قلب یک اتفاق تاریخی ایستاده ایم و این یعنی باید هم بار معنوی آن را بر دوش بکشیم، هم امانت ثبت آن را. اگر زائریم، باید به حرمت صحنه وفادار بمانیم؛ اگر مجاوریم، باید آینه این شهر باشیم؛ اگر دوربین به دست داریم، باید به دنبال حقیقت صادقانه برویم، نه اغراق و نه حذف. شکوه این وداع در ازدحام صرف نیست؛ در انسانیت جاری در آن است. در چهره مادری که اشک می ریزد، در نوجوانی که برای نخستین بار مفهوم تاریخ سازی را لمس می کند، در پیرمردی که عصا به دست، خود را به تشییع رسانده است.



رهبری بر بلندای تاریخ

فراتر از مرزهای جغرافیایی؛ وقتی شکوه وداع، تراز جهانی رهبر شهیدمان را فریاد می زند

تاریخ نشان داده است که مرزهای سیاسی، تنها می توانند قلمرو یک «دولت» را تعیین کنند، اما نگاه یک «رهبر»، می تواند قلمرو یک «تمدن» را ترسیم کند. آنچه در روزهای اخیر در مسیرهای تشییع پیکر مطهر رهبر شهید، از تهران و قم تا نجف و کربلا شاهد بودیم، تنها یک مراسم وداع نبود؛ بلکه تجلی عینی یک مفهوم استراتژیک و معنوی بود که در تاریخ معاصر جهان اسلام بی سابقه است: «رهبری فراملی». این شکوه بی مانند که از پیچ و خم های کوچه و خیابان های نجف و کربلا به گوش جهانیان رسید، نشان داد که ما با شخصیتی روبه رو بوده ایم که جایگاهش در تراز جهانی تعریف شده است.

اعتراف رسانه های غربی

حتی رسانه های غربی که همواره با نگاهی بدبینانه به معادلات منطقه می نگردند، نتوانستند از عظمت این صحنه چشم پيوشند. روزنامه «فایننشال تایمز» در گزارشی تحلیلی، این مراسم را فراتر از یک آیین مذهبی معنا کرده و آن را «نمایش قدرت منطقه ای ایران» و نشانه ای از «تثبیت قدرت جمهوری اسلامی» قلمداد کرده است. تایمز مدعی است که تهران از این رویداد برای ارسال پیامی سیاسی به رقبای خود استفاده می کند؛ پیامی مبنی بر اینکه «قدرت ما، ریشه در قلب تپنده جهان اسلام دارد و نفوذ ما، نه از طریق تسلط نظامی، بلکه از طریق پیوند های عمیق مذهبی و عقیدتی است».

شکوه بی مانند در کربلا و نجف

اگر به تصویرهای منتشر شده از خیابان های نجف و کربلا بنگرید، با صحنه ای مواجه می شوید که گویی از دل اساطیر با رُیاهای شکوه آمیز برآمده است. در حالی که انتقال پیکر شخصیت های مذهبی شیعه به حرم مطهر امام علی (ع) سنتی دیرینه است، اما برگزاری چنین آیین عمومی و عظیم برای یک رهبر سیاسی، آن هم در این سطح از مشارکت مردمی، اقدامی است که از نظر تحلیلگران بین المللی «بی سابقه» و «استثنایی» توصیف می شود. خیابان های نجف و کربلا در این روزها، با بنرها و تصاویر رهبر شهید، به تابلویی از پیوند میان «ولایت» و «امت» بدل شده اند. این گرهمایی عجیب و غریب که در ایام حساس ماه محرم و در فضای نمادین شهادت و مقاومت می گذرد، نشان داد که وقتی پای صحبت از «رهبر دل ها» به میان می آید، مرزهای بین عراق و ایران رنگ می بازد. این حجم از جمعیت که از تمامی نقاط منطقه و جهان اسلام گرد هم آمده اند، تنها یک تجمع مذهبی نیست؛ بلکه نمایش بی صدا اما پر قدرت یک هم بستگی فراملی است که هیچ مرزی توان مهار آن را ندارد.

میراثی که فراتر از زمان است

آنچه در نجف و کربلا شاهد بودیم، نتیجه دهه ها ساختن یک «گفتمان جهانی» بود. رهبر شهیدمان با گذار از مدیریت سیاسی به مدیریت تمدنی، نشان دادند که رهبری در تراز جهانی، یعنی تبدیل شدن به بخشی از «هویت یک امت». برای درک عمیق تر این اتفاق، نباید تنها به تحلیل های رسانه ای اکتفا کرد؛ ما باید به «علت ها» و «ساختارها» بپردازیم. چگونه این جایگاه جهانی حاصل شد؟

بصیرت فراملی؛ گذار از رهبری ملی به رهبری جهانی

اولین دلیل، تفاوت بنیادین در تعریف «میدان» است. رهبران سنتی جهان، تلاش می کنند قدرت خود را در مرزهای جغرافیایی و در چارچوب «دولت-ملت» حفظ کنند؛ اما رهبر شهیدمان، نگاه خود را بر پایه «امت» بنا نهاد. او می دانست که قدرت واقعی، نه در تصرف زمین، بلکه در تصرف افکار و قلب هاست. این بصیرت باعث شد که ایشان از یک رهبر ملی، به یک الگوی جهانی تبدیل شود. ایشان مرزهای سیاسی را نه به عنوان مانع، بلکه به عنوان بستری برای گسترش ارزش ها می دیدند. از این رو، وقتی در نجف مراسم وداع برای ایشان برگزار می شود، این تنها یادبود یک سیاستمدار ایرانی نیست، بلکه یادبود هدایتگری است که راه بازگشت به عزت را به تمام مسلمانان نشان داد.

جایگزینی «نظام قدرت» با «نظام ارزش»

دلیل دوم، نوع برخورد ایشان با قدرت است. در جهان امروز قدرت معمولاً با «سخت افزا» (سلاح، اقتصاد، فشار و ابزارهای مادی این دست) تعریف می شود؛ اما رهبر شهیدمان، «نظام ارزش» را جایگزین «نظام قدرت» کرده و از «دیپلماسی ارزش محور» استفاده کردند. وقتی از مظلومیت فلسطین می گفتند یا از عدالت در برابر استکبار سخن می راندند، این ها صرفاً شعارهای سیاسی نبودند، بلکه «آموزه های اخلاقی» بودند که حتی در کشورهای دوردست نیز طنین انداز می شد. این «اخلاق سیاسی» باعث شد که ملت های مظلوم جهان، نه از سر نیاز به حمایت نظامی، بلکه از سر اشتیاق به «الگو» به دنبال ایشان باشند. رهبر فرزانه مان ثابت کردند که می توان بدون استفاده از ابزارهای کلاسیک سلطه جویانه، بر ذهنیت های جهانی اثر گذاشت.

هندسه مقاومت؛ از جغرافیا تا جریان های فکری

سومین رکن، ساختار نفوذ ایشان است. رهبر شهید توانستند از یک جغرافیای محدود، یک «شبکه فکری و عملیاتی» در سراسر جهان اسلام ایجاد کنند. این همان «هندسه مقاومت» است. ایشان با ایجاد پیوند میان جریانات مختلف از شیعیان عراق گرفته تا گروه های مقاومت در لبنان و ملت های دوردست توانستند یک ساختار منعطف و تزلزل ناپذیر بسازند. این شبکه، برخلاف ساختارهای نظامی کشورهای ابر قدرت، بر پایه «همسویی فکری» بنا شده است. به همین دلیل است که اگر این مراسم در هر یک از شهرهای بزرگ جهان اسلام برگزار می شد، شاهد همین عظمت و نمایش قدرت بودیم؛ چراکه «موضوع بحث» (یعنی عدالت و مقاومت)، فراتر از مرزهای ایران است.